خارج اصول6

یکشنبه 31/ 6/ 98

\*اقسام واجب\*

کلام در مقدّمات مفوته بود. عرض شد که راه حلّ مشکل این مقدّمات و راه وجوب آنها منحصر در واجب معلّق نیست. با فرض اینکه مشهور قائل اند به اینکه قیود در باب اوامر متعلّق به هیئت است؛ یعنی تا قید حاصل نشود، وجوبی نیست. پس اتیان مقدّمات نیز واجب نیست.

برای تنقیح و توضیح مطلب، در دو فرض بحث می کنیم:

1.امکان واجب معلّق ثبوتاً(در عالم واقع) و اثباتاً(در بین ادلّه).

2.عدم امکان واجب معلّق ثبوتاً یا اثباتاً.

اما فرض اوّل(امکان): در اینصورت مشکل مقدّمات مفوّته حل می شود و اتیان تمام مقدّمات مفوّته قبل از زمان ذی المقدّمه، واجب است چه قائل به ملازمه باشیم یا نباشیم یعنی مقدّمات را شرعاً واجب بدانیم یا ندانیم. زیرا هر واجبی که در زمان خودش قابل اتیان نباشد مگر اینکه قبل از زمان اتیانش مقدّماتش را انجام داده باشیم، انجام آن مقدّمات عقلاً واجب اند. زیرا اگر انجام نشوند، واجب نیز در زمان خودش، ترک خواهد شد که قبیح و حرام است.

توضیح

مقدّمات مفوّته براساس واجب معلّق، واجب می شوند و باید قبل از واجب اتیان شوند. این وجوب از دو حال خارج نیست:

1.قائل به ملازمه هستیم: در اینصورت واضح است که چون عقلاً واجب است پس شرعاً نیز واجب است.

2.قائل به ملازمه نیستیم: در اینصورت می گوییم: حکم عقل مستقل به لزوم انجام مقدّمات کافی است. و برخی حکم عقل را کاشف از حکم شرع می دانند.

بعبارة أخری وجوب شرعی مقدّمات مفوّته از دو راه کشف می شود:

1.قانون ملازمه. 2. حکم عقل کاشف.

مانند باب انسداد که می گویند: الظنّ المطلق حجّة علی الحکومة أو علی الکشف. در مانحن فیه نیز مقدّمات مفوّته از دو راه واجب می شوند: قانون ملازمه یا کاشفیت.

صاحب کفایه: اگر وجوب فعلی باشد، واجب است مکلف قدرت خود را نسبت به انجام مقدمات حفظ کند تا در زمان واجب بتواند آن را اتیان کند.[[1]](#footnote-1)

نکته

کلمه ی قدرت در لابلای کلمات محقّقین در بحث فعلی نکته دارد و آن اینکه قدرت بر انجام مقدّمات در واجبات شرعی بر دو قسم است:

1.قدرت عامّه: قدرتی که در هر شرایطی باید بر طبق آن عمل نمود و مقدّمات واجب را انجام داد مانند مقدّمات حجّ و غسل شب برای روزه ی فردا.

2.قدرت خاصّه: قدرتی که در یک ظرف خاصّ و در شرایط خاصی لازم است باشد مانند قدرت بر انجام نماز با طهارت مائیه بشرط اینکه هنگام وجوب(دخول وقت)، در حال جماع نباشد. و الّا اگر جماع کند و دیگر نتواند طهارت مائیه کسب کند، می تواند با طهارت ترابیه نماز بخواند.

مقدّماتی که مبتنی بر قدرت عامّه اند، باید قبل از وقت انجام شوند و قدرت حاصله ی از آنها را تا زمان اتیان واجب حفظ کنیم.

اما مقدّماتی که مبتنی بر قدرت خاصّه اند، واجب نیست حفظ شوند. مثل وضو زیرا مقیّد است به عدم مبطل مثل جماع.

(پایان)

1. . فانقدح بذلك أنه لا ينحصر التفصي عن هذه العويصة بالتعلق بالتعليق أو بما يرجع إليه من جعل الشرط من قيود المادة في المشروط. فانقدح بذلك أنه لا إشكال في الموارد التي يجب في الشريعة الإتيان بالمقدمة قبل زمان الواجب كالغسل في الليل في شهر رمضان و غيره مما وجب عليه الصوم في الغد إذ و يكشف به بطريق الإن عن سبق وجوب الواجب و إنما المتأخر هو زمان إتيانه و لا محذور فيه أصلا و لو فرض العلم بعدم سبقه لاستحالة اتصاف مقدمته بالوجوب الغيري فلو نهض دليل على وجوبها فلا محالة يكون وجوبها نفسيا [و لو] تهيؤا ليتهيأ بإتيانها و يستعد لإيجاب ذي المقدمة عليه فلا محذور أيضا. إن قلت لو كان وجوب المقدمة في زمان كاشفا عن سبق وجوب ذي المقدمة لزم وجوب جميع مقدماته و لو موسعا و ليس كذلك بحيث يجب عليه المبادرة لو فرض عدم تمكنه منها لو لم يبادر. قلت لا محيص عنه إلا إذا أخذ في الواجب من قبل سائر المقدمات قدرة خاصة و هي القدرة عليه بعد مجي‏ء زمانه لا القدرة عليه في زمانه من زمان وجوبه فتدبر جدا. كفاية الأصول ( طبع آل البيت )، ص: 105 [↑](#footnote-ref-1)